

مطالعه تطبیقی اعاده دادرسی در نظام حقوقی ایران و مصر^۱

محمدصادق مهدوی‌راد*، محمود حبیبی**، اسماعیل شاهسوندی***، علیرضا مشهدی‌زاده****

چکیده

اعاده دادرسی در امور کیفری و مدنی متفاوت است به نحوی که در امور کیفری تنها محکوم‌علیه، دادستان مجری حکم و دادستان کل کشور آن هم از ناحیه محکوم‌علیه حق تقاضای تجویز اعاده دادرسی را دارند. در امور حقوقی حسب مواد ۴۲۶ الی ۴۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛ اولاً جهات تقاضای رسیدگی مجدد به جهات مندرج در ماده ۴۲۶ است. ثانیاً حسب ماده ۴۴۱ در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوی و قائم مقام آن‌ها شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند تقاضای رسیدگی مجدد کند. ثالثاً تقاضا محدود به مهلت است. رابعاً برخلاف امور کیفری که تقاضا به دیوان تقدیم و از ناحیه دیوان تجویز اعاده دادرسی می‌گردد، در امور حقوقی دادخواست اعاده دادرسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقدیم می‌شود و این دادگاه است که قرار قبولی صادر و وارد رسیدگی مجدد می‌شود. قانون‌گذار مصر، اعاده دادرسی در امور کیفری را در مواد ۴۴۱ الی ۴۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصر مورد شناسایی قرار داده و هدف از اعاده دادرسی در امور کیفری را جلوگیری از ضرر و

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی نویسنده مسئول تحت عنوان «اعاده دادرسی فوق‌العاده با تأکید بر رویه قضایی در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و مصر» با استاد راهنمایی آقایان دکتر محمود حبیبی و دکتر اسماعیل شاهسوندی و مشاوره آقای دکتر علیرضا مشهدی‌زاده در دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال است.

* قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mahdavirad.ms@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Dr.MahmoodHabibi@gmail.com

*** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
es.shahsavandi@ymail.com

**** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Al.mashhadizadeh@iau.ac.ir

زیان قاضی یا دادگاه به محکوم علیه در اثر اشتباه در صدور حکم دانسته است. بنابراین درخواست اعاده دادرسی توسط دادستانی عمومی، محکوم علیه و در صورت فوت محکوم علیه توسط زوجه یا یکی از اقارب متوفی مورد تقاضا قرار می‌گیرد، اما اعاده دادرسی در امور مدنی از مواد ۲۴۱ الی ۲۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی مدنظر قانون‌گذار مصر قرار گرفته که اغلب با جهات مقرر در حقوق ایران مشابهت دارد. اعاده دادرسی در نظام حقوقی مصر مدعای اصلی جستار تحقیقی حاضر است که تطبیق روند شکلی و ماهوی این سازوکار در حقوق مصر بررسی و همچنین به بنیان‌های موجود در نظام حقوقی ایران در این خصوص نیز گریزی زده می‌شود تا افتراق و تشابهات موجود بررسی و مورد مقایسه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اعاده دادرسی، تجدیدنظرخواهی، اصلاح تصمیم تبعیض آمیز، دادگاه نقض، حقوق مصر

مقدمه

تمام نظام‌های حقوقی به تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌ها اهمیت زیادی قائل شده‌اند و آن را یکی از لوازم مهم و مطلوب تحقق هر چه بیشتر عدالت^۱ برشمرده‌اند. از آنجا که قاضی انسانی بیش نیست نمی‌توان او را فارغ از خطا و اشتباه پنداشت و به همین دلیل اعطای فرصت تجدیدنظرخواهی مجدد از طریق اعاده دادرسی به اصحاب دعوا که در واقع یک شیوه غیر معمول از تجدیدنظرخواهی می‌باشد به نفع ایصال حق و بسط عدالت است. اگر طرف دعوا در مدت تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی نسبت به حکم، تجدیدنظرخواهی نماید، شاید به حقوق خود نائل شود و در غیر این صورت و به هر جهت راه اعتراض مسدود گردیده و برای اجتناب از بی‌عدالتی تنها توسل به اعاده دادرسی راهگشا خواهد بود.

فلسفه وضع مقررات راجع به اعاده دادرسی را می‌توان حاصل تجارب چندین ساله نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف دانست. زیرا قضات در هر دو نظام حقوقی «کامن لا» و «حقوق نوشته»، به مرور دریافته‌اند به‌رغم چند مرحله‌ای بودن رسیدگی گاه قضات دادگاه‌ها به‌واسطه مشغله، عدم تجربه و تبحر، تقلب و سوءنیت و جعل نمایندگی توسط یکی از طرفین دعوا و یا در اثر تبانی قاضی با یکی از طرفین دعوا، مبادرت به اتخاذ تصمیم و اصدار رأی می‌نمایند که در این اثنا تضییع حقوق عمومی و یا حقوق اشخاص و یا حقوق یکی از طرفین دعوا امکان‌پذیر است که منجر به مخدوش شدن عدالت، حق و حقیقت می‌گردد. لذا علی‌رغم اصل «عدم جواز تجدیدنظرخواهی از احکام قطعی»

1. Justice

و توجه به ثبات و قطعیت احکام صادره قضایی به مرور قانون‌گذاران کشورها، نهاد اعاده دادرسی را با شمارش موارد تجویز در قوانین خود گنجانده‌اند.

همان‌طور که بیان شد اعاده دادرسی روش استثنایی در تجدیدنظرخواهی از احکام قطعی است که به موجب آن محکوم‌علیه در مواردی که قانون معین می‌کند تجدیدنظر می‌کند. این‌گونه تجدیدنظرخواهی بر این فرض استوار است که حقیقت قضایی همیشه با حقیقت واقعی یکسان نیست. زیرا ممکن است محکوم‌علیه به عمد مدارک جعلی و یا مخدوش ارائه دهد تا بتواند نظر دادگاه را جلب و منجر به گمراهی و النهایه صدور حکم قضایی شود.

حال با این مقدمه و اگرچه قانون‌گذاران هر دو نظام حقوقی مصر و ایران تجدیدنظرخواهی از احکام قطعی یا همان اعاده دادرسی را شناسایی نموده‌اند، اما در این خصوص تاکنون مطالعه‌ای تطبیقی که به زوایای مختلف این دو نظام حقوقی در خصوص اعاده دادرسی باشد پرداخته نشده است. لذا این مقاله سعی در بررسی تطبیقی اعاده دادرسی در این دو نظام حقوقی دارد و سؤال اصلی این جستار عبارت است از اینکه وجوه افتراق و اشتراک اعاده دادرسی در نظامات حقوقی ایران و مصر چیست؟ و با روش تحلیلی، توصیفی و کتابخانه‌ای به بررسی تاریخچه، ماهیت حقوقی، اهمیت، ویژگی، شرایط خاص تجویز تجدیدنظرخواهی در اعاده دادرسی، انواع تجدیدنظرخواهی از احکام قضایی و موارد اعاده دادرسی و شرایط و زمان تجدیدنظرخواهی که باید رعایت شود و به‌طور کلی چهارچوب اعاده دادرسی در هر دو نظام پرداخته است و با توجه به تأسی هر دو نظام حقوقی از حقوق فرانسه در برخی از موارد به این نظام حقوقی رجوع شده تا بتواند کمبود و خلأهای حقوقی موجود در ایران را شناسایی کند.

۱. تعریف، تاریخچه و ماهیت اعاده دادرسی

اعاده دادرسی روش استثنایی بر تجدیدنظرخواهی احکام قطعی محاکم است که در ذیل به تبیین مفهوم و ماهیت آن پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی اعاده دادرسی

اعاده^۱ در لغت به معنای بازگرداندن یا بازگشت دادن است. اعاده دادرسی^۲ لفظ مرکب قضایی است که از دو واژه اعاده و دادرسی تشکیل شده است که در لغت به منزله اقامه مجدد دعوا پس از

۱. اعاده یا تکرار از وعده‌های خداوند است و از صفات خداوند المبدئ المعید است اوست که خلقت را پس از زندگی تا مرگ و پس از آن باز می‌گرداند مرگ بر حیات در قیامت دوباره به سوی او باز می‌گردد.

۲. إعادة المحاكمة یا re-trial

صدور حکم است و تعریف لغوی آن از تعریف حقوقی آن چندان دور نیست به طوری که اعاده دادرسی یعنی ختم محاکمه که نقش مهمی در بازگرداندن حقوق به صاحبان آن‌ها دارد. به‌عنوان نوعی اعتراض به حکمی که از سوی محکوم‌علیه یا هر کس که طبق قانون حق اعتراض مجدد دارد دانسته‌اند و اینجا رابطه مفهوم زبانی با مفهوم اصطلاحی نمایان می‌شود. اعاده دادرسی به‌عنوان روش غیر معمول تجدیدنظرخواهی برای به چالش کشیدن قضاوت‌های انجام شده می‌باشد.

اعاده دادرسی از ادله شرعی و نصوص فقها و تجدیدنظر از احکام آن‌ها از طرق تجدیدنظرخواهی از حکم پس از ختم رسیدگی و قطعی شدن حکم، در حین رسیدگی، قبل از صدور حکم و بعد از آن از حکم صورت می‌گرفته (جمعیه المجله، المجله، ۱۹۸۲: ۳۷۴).

اعاده دادرسی در مبانی شرعی و حقوقی چنین تعریف شده است:

«طریقه غیر متعارف طرح دعوی برای بار دوم و شیوه استثنایی است که جز در مواردی که روش‌های متعارفی مانند تجدیدنظر و اعتراض به حکم وجود نداشته باشد، به آن متوسل نمی‌شود.» (عبدالناصر ابوالبصل، ۱۹۹۹: ۲۳) و یا «روش فوق‌العاده‌ای برای تجدیدنظرخواهی که طرف دعوا در مواردی برای اخذ رأی مبنی بر نقض حکم قطعی دادگاه صادرکننده به آن متوسل می‌شود تا بتواند رسیدگی مجدد به دعوا را در همان دادگاه تقاضا کند.» (العشماوی و العشماوی، ۲/۱۹۵۷) و یا «وسیله‌ای که قانون برای رفع خطای قضایی پس از احراز، حادث شده است.» (الدركزلی، ۱۹۸۰: ۲۲۷). و یا «تصحیح صلاحیت اجباری احکام برای اصلاح اشتباهات عینی در برآورد واقعیات که فقط با اعاده دادرسی و در جهت تحقق عدالت و حفظ منافع عمومی قابل رفع است.» (ممدوح خلیل البحر، ۲۰۱۰: ۳۸۲).

به طوری که در قانون جدید فرانسه در ماده ۵۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، اعاده دادرسی چنین تعریف شده است: «اعاده دادرسی در واقع عدول از رأی است که از اعتبار امر مختوم و قضاوت شده برخوردار بوده برای اینکه رأی جدیدی در موضوع و در حکم صادر شود».

۱-۲. تاریخچه پیدایش اعاده دادرسی

از لحاظ تطور تاریخی اعتراض به احکام صادره و اعاده دادرسی از قرون وسطی و به‌طور خاص به قرن پانزدهم میلادی بازمی‌گردد.

در آن زمان هدف تجدیدنظرخواه ترغیب قاضی به انصراف از حکم اشتباه و صدور حکم جدید به جای آن بوده و به آن «اعاده اشتباه» گفته می‌شد که از سال ۱۶۶۷ میلادی، اصطلاح «اعاده اشتباه» منسوخ و درخواست تجدیدنظر مرسوم شد و اصطلاح «درخواست تجدیدنظر با ذکر دلایل نام‌گذاری» گردید (نبیل اسماعیل عمر، ۱۹۸۳: ۱۲).

اعاده دادرسی یا دادرسی جدید در حقوق «کامن‌لا» به‌عنوان سومین مؤلفه اصلی قانون کنترل هیئت منصفه، علاوه بر اظهار نظر، توسعه رسیدگی قضایی به احکام هیئت منصفه بود که تحت عنوان دادرسی جدید صورت گرفت. قدرت قضات برای دستور دادن به دادرسی جدید در اواخر قرون وسطی به‌عنوان وسیله‌ای برای جبران تخلف هیئت منصفه در موارد استثنایی مانند رشوه دادن یا دخالت هیئت منصفه سرچشمه دارد. در نیمه دوم قرن هفدهم، قضات شروع به گسترش قدرت خود برای اعطای محاکمه جدید به مواردی که در آن‌ها حکم را مغایر با دستورالعمل یا مخالف شواهد موجود می‌دانستند نمودند و در اواخر قرن هجدهم، قانون محاکمه جدید دامنه وسیعی پیدا کرد.^۲ تقویت قدرت قضات برای اعطای اعاده دادرسی، اختیاری بود که قضات مدعی بودند قبل از پذیرش حکم صادر شده، مبنای آن را بررسی می‌کنند.

اعاده دادرسی در نظام حقوقی فرانسه^۳ نیز دارای تاریخچه مطولی است به طوری که این راه حل یعنی اعاده دادرسی ابتدا به‌عنوان مجازاتی برای قضات مقصر در نظر گرفته شد، و سپس وسیله‌ای برای اصلاح اشتباهات در تصمیمات دادگاه تبدیل شده است که ریشه در یک ضرب‌المثل فرانسوی دارد که بیان می‌کند «موقعیت باعث دزدی می‌شود».^۴ به طوری که این تأسیس برای اولین بار در پارلمان پاریس و در حدود سال ۱۲۵۰ میلادی برای اولین بار در دادگاه استیناف در فرانسه تشکیل شده است.^۵

۳-۱. رابطه اعاده دادرسی با دیگر روش‌های تجدیدنظرخواهی

احکام قضایی ناشی از اعمال انسانی بوده و به دور از اشتباه و جهل نمی‌باشد و جهل و اشتباه انسانی حتی در وضع مقررات هم عیان و آشکار است و مستلزم دگرگونی و اصلاح می‌باشد و دگرگونی در قانون برای تأمین و بهینه کردن مقررات امری الزامی است و دیگر یک قاعده حقوقی مسلم و تغییرناپذیر نمی‌باشد (جمالی و محمدی، ۱۴۰۱: ۱۵۱، ۱۶۴). از قدیم‌الایام برای تجدیدنظرخواهی از احکام و رفع نواقص و برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از آن راه‌های متفاوتی را ایجاد می‌کردند. روش‌های تجدیدنظر در دو روش به شرح ذیل است:

1. new trial
2. See, R.B. Lettow, New trial for verdict against law: judge-jury relations in early nineteenth-century America, 71 Notre Dame L.Rev. 505, 510 (1996)
3. la reprise de la procédure
4. "l'occasion fait le larron".
5. Marcel Rousselet résume la tendance en ces termes: "Au fur et à mesure que la Royauté s'annexait les grands fiefs, nous la voyons transformer les juridictions souveraines qui s'y trouvaient en parlements provinciaux" (Histoire de la magistrature française: Des origines à nos jours, t 1, Paris, Librairie Plon, 1957 à la p 45).

روش اول: تجدیدنظرخواهی که شامل دو مرحله: واخواهی و تجدیدنظرخواهی است. روش دوم: که روش فوق‌العاده تجدیدنظرخواهی است و شامل: فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی می‌باشد. تفاوت جهات اعاده دادرسی و دیگر روش‌های اعتراض به احکام (به‌طور خلاصه به شرح زیر است): الف) اعاده دادرسی از این جهت از طرق عادی تجدیدنظر متمایز است که قصد نهایی درخواست‌کننده تنها اصلاح حکمی که از آن شکایت می‌کند نیست بلکه تقاضا برای بررسی مجدد به حکمی است که پیش‌تر به ضرر او صادر شده، به دنبال راهی است برای رهایی از چیزی که علیه او حکم شده است.

ب) واخواهی یا اعتراض به رأی غیابی از طرق عادی و در واقع یک شیوه اعتراض به رأی در همان دادگاهی که حکم صادر کرده می‌باشد و با اعاده دادرسی که فقط به احکام نهایی اصداری می‌پردازد متفاوت است (عیدالغریب، ۲۰۰۵: ۵).^۱

ج) اعاده دادرسی از این جهت با تجدیدنظر تفاوت دارد که تجدیدنظر در دادگاه بالاتر و به همان دادگاهی که رأی صادر کرده تقاضا داده می‌شود. همان‌طور که ذکر شد استناد به درخواست اعاده دادرسی لازم است به یکی از دلایل ذکر شده در قانون و به‌صورت محدود صورت پذیرد. اعاده دادرسی غیر از فرجام‌خواهی است. زیرا فرجام‌خواهی از طرق فوق‌العاده شکایت می‌باشد. رسیدگی فرجامی طبق ماده ۳۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت از «تشخیص انطباق یا عدم انطباق رأی مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی است».

نتیجتاً بررسی مقیاس‌های جهات نقض در تجدیدنظر، فرجام و اعاده دادرسی، در حقوق کشور ما نشان می‌دهد، این سه شکایت در تعداد قابل‌توجهی از موارد نقض، مشترک هستند؛ به عبارت دیگر، برخی از جهات نقض، در هر سه شکایت مذکور، سبب نقض رأی می‌شوند؛ اما تعداد قابل‌توجه دیگری از جهات نقض، مشترک بین تجدیدنظر و فرجام هستند و در اعاده دادرسی قابل‌استناد نیستند و موجب نقض حکم نمی‌شوند. برخی از جهات هم منحصر به تجدیدنظر و اعاده دادرسی هستند و در فرجام‌خواهی، نقض رأی را در پی ندارند (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۵).

۲. سیاست قانون‌گذاری ایران و مصر در اعاده دادرسی

قانون‌گذاران ایران و مصر این امکان را برای اصحاب دعوا فراهم کرده‌اند تا در صورتی که حکم

۱. در مصر اعتراض به حکم غیابی صادره در جنبه مشمول اعتراض است و دادگاه نمی‌تواند مجازات و اعتراض به حکم غیابی را تشدید کند و به عبارتی تجدیدنظرخواهی غیابی به حکم جایز نیست مگر اینکه قبل از صدور حکم قطعی جرم ثابت شود.

صادر شده قطعی برخلاف حق و عدالت باشد متضرر از حکم به قصد بطلان، نقض، فسخ یا تعدیل آن حکم، تقاضای تجدیدنظر نماید (اعم از اینکه این درخواست در دادگاه صادرکننده حکم یا در مرجع بالاتر رسیدگی شده باشد یا نباشد). اعاده دادرسی از جمله مهم‌ترین روش‌های تجدیدنظرخواهی از احکام قطعی است و به نظر می‌رسد بنا به دلایلی از جمله تقلب، جعل، تخلف از قانون، صدور احکام غیر منصفانه و غیر منطبق با واقعیت یا انصاف می‌باشد که رعایت آن و الزام محکوم‌علیه به اجرای آن منصفانه نیست و عدالت ایجاب می‌کند تا سازوکار لازم برای محکوم‌علیه یا اشخاصی که بی‌جهت دعوای آن‌ها مردود شناخته شده راه معقولی و قانون‌مندی باشد تا حقیقت ماجرا را در مراجع قضایی آشکار کند و بتواند رأی را الغا یا آن را به نحوی که منطبق بر حق و انصاف باشد، توسط دادگاه صالح اصلاح کند.

با توجه به مطالب فوق این موضوع و شرایط و آثار آن را در هر دو نظام حقوقی بررسی خواهیم کرد:

۳. شرایط و آثار اعاده دادرسی در نظام حقوقی ایران

۳-۱. اعاده دادرسی در امور کیفری در نظام حقوقی ایران

قانون‌گذار راجع به درخواست اعاده دادرسی و مرجع تجویز آن، مهلت و هزینه دادرسی شرایطی را در نظر گرفته که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

برای روشن شدن اینکه چه کسی حق ارائه درخواست برای اعاده دادرسی در ایران و مصر را دارد، ابتدئاً باید بر این واقعیت تأکید کنیم که قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی ایران بین دو موضوع حقوقی و خصوصی تمایز قائل شده است. به نحوی که در احکام قطعی کیفری چنانچه محکوم‌علیه دارای یکی از شرایط هفت‌گانه ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری باشد، خود و یا دادستان مجری حکم حق تقاضای تجویز اعاده دادرسی بدون محدودیت زمان از دیوان عالی کشور را دارد. در آن صورت، تقاضای اشخاص مندرج در ماده ۴۷۵ به یکی از شعب کیفری دیوان ارجاع می‌گردد. چنانچه شعبه مرجوع‌الیه، تقاضا را منطبق با یکی از بندهای هفت‌گانه تشخیص دهد مستند به مواد ۴۷۶ و ۴۷۸ قانون اخیرالذکر، رأی صادره را متوقف و رسیدگی مجدد را در شعبه هم‌عرض تجویز می‌کند. مطابق تبصره ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری چنانچه شخص به قصاص نفس، اعدام، شلاق، قلع و قمع بنا و خلع‌ید محکوم شده باشد ممکن است با دستور شعبه مرجوع‌الیه اجرای رأی موردنظر متوقف شود^۱. قابل ذکر اینکه تقاضای اعاده دادرسی از آرای کیفری قطعی به‌رغم آرای حقوقی محدود به زمان نیست و محکوم‌علیه یا وکیل او می‌تواند به جهات مختلف تقاضای تجویز

۱. نک: رأی وحدت رویه شماره ۷۴۲ مورخ ۹۴/۵/۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور

اعاده دادرسی کند و نکته قابل توجه دیگر آن است که در بند چ ماده ۴۷۴ یکی از مواردی که موجب تجویز اعاده دادرسی می‌شود، جرم نبودن عمل ارتكابی متهم است و در تفسیر این قسمت از بند چ ماده مذکور نظرات مختلف است. عده‌ای معتقدند نبود دلیل برای فعل ارتكابی متهم برای تجویز اعاده دادرسی کافی است و برخی قضات نیز معتقدند در صورتی که رفتار متهم و محکوم علیه به طور کلی جرم نباشد (از جمله مشمول مرور زمان و یا مال فروخته شده متعلق به خود متهم باشد) مورد از مصادیق بند چ ماده ۴۷۴ است.^۱

در نظام حقوقی ایران به جهات ذیل امکان تقاضای تجویز اعاده دادرسی از دیوان در امور کیفری وجود دارد:

۱. معلوم گردد مقتول زنده است؛ ۲. متقاضی اعاده دادرسی به جرمی محکوم شده که قبلاً دیگری هم به همان جرم عیناً محکوم گردیده و رأی صادره مذکور به قطعیت رسیده است؛ ۳. با اینکه موضوع و جرم مطروحه در پرونده دارای اعتبار امر قضاوت شده بوده، متقاضی اعاده دادرسی مجدداً به همان جرم، تعقیب و دوباره محکوم شده و رأی صادره قطعی شده است؛ ۴. دو یا چند نفر به ارتكاب جرمی محکوم شدند و سپس معلوم شده که ارتكاب آن جرم نمی‌تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد؛ ۵. خلاف واقع بودن شهادت و یا جعلی بودن سندی که شخص به لحاظ آن محکوم شده پس از صدور حکم به اثبات برسد؛ ۶. عمل ارتكابی شخص جرم نباشد (به لحاظ فقدان دلیل و سوءنیت، مرور زمان و امثال آن) و یا مجازات اعمال شده بیش از مجازات مقرر در قانون باشد؛ ۷. پس از صدور حکم قطعی، دلیل یا واقعه جدید به دست آید که مثبت بی‌گناهی متهم باشد (به مثل اینکه معلوم شود که محکوم علیه به هنگام وقوع جرم در خارج از کشور بسر می‌برده و یا فلج بوده و یا شاکی اقرار به خودزنی کند و نظایر آن).

قانون‌گذار می‌توانست جهاتی دیگر هم به جهات مذکور اضافه کند از جمله اینکه: الف) پس از صدور حکم قطعی، فساد و بی‌طرف نبودن قاضی و شاهد و یا بی‌طرف نبودن هیئت منصفه ثابت شود. ب) ثابت شود عدم حضور شاهد برای ادای شهادت به واسطه عوامل خارجی خارج از اختیار شاهد بوده و برطرف شده است. ج) حکم صادره در ایصال حق شاکی ناقص باشد (به طور مثال به جای حکم به رد مال، حکم به پرداخت ثمن معامله در موضوع انتقال مال غیر صادر شود). د) شاکی در صورت کسب دلیل جدید متقن حق تقاضای اعاده دادرسی در مواردی که مشتکی عنه تبرئه

۱. نک: در پرونده کلاسه ۹۷/۰۳۵ (شعبه سوم دادگاه انقلاب تهران) به رأی شماره ۹۱۶ - ۱۴۰۱/۴/۲۰ صادره از شعبه دو دیوان عالی کشور.

شده است را ندارد و این امر خلاف عدالت است.

قابل ذکر است تمامی بندهای هفت‌گانه مندرج در ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز موارد اخیرالذکر می‌توانست تحت عنوان فرجام‌خواهی فوق‌العاده مطرح شود و این فرجام‌خواهی جزء اختیارات دادستان کل کشور می‌توانست باشد.

۲-۳. درخواست اعاده دادرسی در امور حقوقی ایران

همان طور که بیان شد اعاده دادرسی از طرق فوق‌العاده شکایت از آراء قطعی می‌باشد و باید تنها در موارد و شرایط مقرر در قانون اعمال گردد. در آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ موارد و شرایط پذیرش اعاده دادرسی در ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی احصا و بیان گردیده و مقرر شده که نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل اعاده دادرسی شود:

۱. موضوع حکم مورد ادعای خواهان نبوده باشد؛ ۲. حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد؛ ۳. وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد؛ ۴. حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آنکه قبلاً توسط همان دادگاه صادر شده است متضاد باشد بدون آنکه سبب قانونی موجب این مغایرت باشد؛ ۵. طرف مقابل درخواست‌کننده اعاده دادرسی حيله و تقلب به کار برده که در حکم دادگاه مؤثر بوده است؛ ۶. حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم جعلی بودن آن‌ها ثابت شده باشد؛ ۷. پس از صدور حکم اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یادشده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است. با نگاه به صورت ماده مذکور نکات ذیل قابل توجه است.

نخست اینکه در ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی قانون‌گذار رسیدگی مجدد را تنها در احکام قطعیت‌یافته تجویز کرده و اعاده دادرسی شامل کلیه قرارهای نهایی و حتی قرارهای قاطع دعوا به مثل قرار سقوط دعوا نمی‌شود. در ثانی، در جهات مندرج در ماده ۴۲۶ ابهام و اجمال وجود دارد. به طور مثال در بند ۱ واژه موضوع دعوی و در بند ۳ واژه «تضاد در مفاد» و یا «تضاد در اصول» و نیز واژه «همان دادگاه» ابهام هست و محدوده دو حکم متضاد معلوم نیست و در بند ۴ محدوده حيله و تقلب به‌کاررفته در حاله‌ای از ابهام است (اللسان و افتخار جهرمی، ۱۳۹۹: ۳۳۰-۳۲۶).

باید توجه داشت همان طور که یکی از اساتید حقوق متذکر شده (شمس، ۱۳۸۴: ۴۸۳-۴۷۲) «موضوع حکم» یا واژه «مورد ادعا» همان خواسته و عنوان خواسته (مثل خلع‌ید) خواهان، چه در دادخواست اولیه و چه تغییر آن تا پایان جلسه اول دادرسی بوده و منظور از مفاد حکم نیز معنای اخص و معنای اعم است. مفاد حکم به معنای اخص همان موضوع خواسته و منطوق حکم است

که مورد اختلاف طرفین بوده و منتهی به صدور حکم و فصل خصومت شده و معنای اعم «مفاد حکم» شامل همه معنای حکم از قبیل اسباب موجهه و منطوق حکم است و معنای «تضاد در مفاد حکم» به معنای آن است که دو حکم مفاداً با هم مغایر باشند و منظور از اصول در بند ۳ ماده به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار وصف غالبی حکم بوده که چنانچه دو حکم مفاداً با هم اختلاف داشته باشند، حکم صادره خلاف اصول دادرسی است (السان و افتخار جهرمی، ۱۳۹۹: ۳۲۷).

موضوع حيله و تغلب مندرج در بند ۵ ماده ۴۲۶ نیز دامنه وسیعی دارد و شامل همه حيله و تقلباتی که منجر به صدور حکم خلاف عدالت و حق می‌شود (به‌مثل اینکه خواهان فردی را اجیر کند تا به جای خواننده در دادگاه حاضر و اقرار به نفع خواهان نماید و یا خواهان با تبانی با غیر معامله‌ای کنند و فردی را داور قرار دهند و اختلاف صوری درست کنند و از داور رأی به الزام به تنظیم سند رسمی به دست بیاورند و...).

۴. اعاده دادرسی در نظام حقوق مصر

فرایند دادرسی در پرونده‌های جنایی در دادگاه‌های مصر بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصر^۱ به شماره ۱۵۰ مصوب ۱۹۵۰ و اصلاحات بعدی آن^۲ بیان شده است. در حقوق مصر ترجمه تحت‌اللفظی اعاده دادرسی «اعاده المحاکمه» می‌باشد؛ لیکن اعاده دادرسی در اصطلاح حقوقی و نظام قضایی کشور مصر «التماس اعاده النظر» نامیده می‌شود و عبارت «اعاده المحاکمه» ناظر به موضوع واخواهی در نظام حقوقی ایران می‌باشد. «التماس اعاده النظر» در نظام دادرسی کشور مصر به‌عنوان یکی از طرق فوق‌العاده اعتراض به آراء صرفاً در خصوص آرای قطعی (به اصطلاح «الاحکام النهائیه») کیفری تقنین و پیش‌بینی شده است و در سایر قضایا و احکام امکان اعتراض صرفاً محدود به واخواهی، تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی است.

۴-۱. اعاده دادرسی در امور کیفری مصر

مواد ۴۴۱ الی ۴۵۳ «قانون الاجرائات الجنائیه» (آیین دادرسی کیفری) مصر به ارائه تعریف و بیان احکام و شرایط اعاده دادرسی یا همان «التماس اعاده النظر» پرداخته که به شرح ذیل به موضوع و شرایط درخواست اشاره خواهد شد؛

الف) موضوع و شرایط قانونی: بر طبق ماده ۴۴۱ در موارد زیر درخواست اعاده دادرسی

۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصر به چهار بخش تقسیم شده است: کتاب اول: شامل پرونده‌های جنایی، جمع‌آوری شواهد، دلایل و نحوه تحقیقات. کتاب دوم: مربوط به دادگاه‌ها و جرائم جحه‌ای است. کتاب سوم: شامل شیوه‌های تجدیدنظر به احکام است. کتاب چهارم: شامل اجرای احکام است.

۲. آیین دادرسی کیفری ۱۹۷۱ و اصلاحات آن در ۲۰۱۰ میلادی

(دادخواست اعاده دادرسی) احکام قطعی محکومیت، به دلیل ارتکاب جنایت‌ها و جنحه‌ها جایز می‌باشد:

۱. چنانچه متهم به دلیل ارتکاب قتل محکوم گردد و سپس کشف شود که فردی که قتل او ادعا شده زنده است؛ ۲. چنانچه شخصی به سبب واقعه‌ای محکوم گردد سپس شخص دیگری به سبب همان واقعه محکوم گردد و بین دو حکم به نحوی تناقض وجود داشته باشد که از دو حکم صادره برائت یکی از دو محکوم‌علیه استنتاج گردد؛ ۳. چنانچه بر اساس احکام باب ششم از کتاب سوم قانون مجازات یکی از شهود یا کارشناسان محکوم به مجازات شهادت دروغ گردند، یا حکم به جعلیت یکی از اسناد ارائه شده در رسیدگی به دعوی صادر گردد و شهادت یا نظریه کارشناس یا سند ارائه شده مؤثر در حکم باشد؛ ۴. چنانچه مبنای حکم صادره، حکم یکی از دادگاه‌های مدنی یا دادگاه‌های احوال شخصیه باشد و حکم یاد شده لغو گردد؛ ۵. چنانچه بعد از صدور حکم اموری حادث یا کشف و یا اسنادی ارائه گردد که در زمان رسیدگی آشکار نبوده و امور یا اسناد مذکور قابلیت اثبات برائت محکوم‌علیه را داشته باشد.

(ب) صاحب حق و شرایط شکلی اعاده دادرسی: حسب ماده ۴۴۲ در چهار مورد اول از موارد یادشده در ماده قبل، هریک از دادستان کل یا محکوم‌علیه یا نماینده قانونی وی در صورتی که محکوم‌علیه فاقد اهلیت یا مفقود باشد، بستگان وی یا همسر وی بعد از فوت وی حق درخواست اعاده دادرسی را دارند.

در مواردی که درخواست‌کننده اعاده دادرسی، دادستانی کل نباشد، محکوم‌علیه باید تقاضای خود را طی درخواستی که بر اساس آن حکمی که از آن تقاضای اعاده دادرسی دارد را تبیین می‌نماید و دلیل اعاده دادرسی و همچنین مستندات اثبات‌کننده درخواست را به دادستان کل تقدیم نماید. دادستان کل در هر صورت یعنی چنانچه درخواست اعاده دادرسی به تقاضای وی بوده یا درخواست به تقاضای شخص دیگری باشد به همراه اقدامات و تحقیقاتی که به صلاح‌دید وی انجام شده را طی گزارشی که نظر خود را در آن ارائه و همچنین اسبابی که به آن استناد نموده را به «دادگاه نقض»^۱ تقدیم می‌نماید. به موجب مقررات یاد شده درخواست اعاده دادرسی باید ظرف سه ماه از تاریخ تقاضای اعاده دادرسی تقدیم «دادگاه نقض» گردد.

مطابق ماده ۴۴۳ در مورد پنجم ماده ۴۴۱، دادستان کل رأساً یا به تقاضای اشخاص ذی‌ربط

۱. دادگاه نقض بالاترین مرجع قضایی کشور مصر است که چنانچه بخواهیم این دادگاه را با نظام قضایی ایران مقایسه کنیم دادگاه نقض همان دیوان عالی کشور می‌باشد.

صرفاً خود حق تقاضای اعاده دادرسی را دارد و در صورت وجود موجبی جهت اعاده، دادستان کل درخواست را به همراه تحقیقاتی که انجام آن را لازم دانسته به کمیسیون متشکل از یکی از مستشاران دادگاه نقض و دو مستشار از دادگاه تجدیدنظر که هر کدام از افراد یادشده توسط مجمع عمومی دادگاهی که هریک از مستشاران در آن مشغول به کار هستند تقدیم می‌کند و باید در ضمن درخواست، سند یا واقعه‌ای که به آن استناد می‌گردد نیز بیان شود.

ج) شرایط و نحوه رسیدگی و صدور حکم مجدد: بر اساس ماده ۴۴۵ دادستانی کل حداقل سه روز پیش از تشکیل جلسه بررسی تقاضای اعاده دادرسی در دادگاه نقض، طرفین را جهت حضور دعوت می‌نماید.

به دلالت ماده ۴۴۶ دادگاه نقض پس از استماع نظر دادستانی و طرفین دعوی و همچنین پس از انجام تحقیقات و اقدامات لازم توسط خود دادگاه یا توسط شخصی که برای این امر مأمور می‌گردد به تقاضای اعاده دادرسی رسیدگی می‌نماید. چنانچه دادگاه نقض تقاضای اعاده را بپذیرد، دستور لغو حکم مورد اعاده را صادر و در صورتی که بی‌گناهی متهم آشکار باشد، رأی به برائت متهم صادر می‌نماید و در غیر این صورت چنانچه دادگاه نقض، خود رسیدگی را لازم نداند، دعوی را به دادگاه صادرکننده رأی جهت رسیدگی توسط قضات دیگر همان دادگاه ارسال می‌نماید. (شایان ذکر است دیوان عالی کشور یا همان دادگاه نقض در رسیدگی اختیار کامل به موضوع تقاضای دادرسی را دارد بدون اینکه خود را مقید به حکم مورد اعاده دادرسی نماید و می‌تواند رأی جدیدی صادر کند که کاملاً با رأی سابق مغایر باشد) (کرار ریاض، ۲۰۱۵: ۱۹۴).

بر اساس ماده ۴۴۷ چنانچه محکوم‌علیه فوت کند و تقاضای اعاده دادرسی از سوی یکی از بستگان یا همسر وی تقدیم نشده باشد، دادگاه جلسه را با حضور شخصی که برای دفاع از یادبود متوفی تعیین می‌کند، تشکیل می‌گردد. شخص یاد شده باید حتی‌الامکان از بستگان متوفی باشد. در این صورت دادگاه در صورت لزوم حکم به محو آنچه موجب لطمه وارد کردن به یادبود متوفی می‌کند را صادر می‌نماید.

شایان ذکر اینکه تقاضای اعاده دادرسی موجب توقف اجرای حکم جز در موارد محکومیت به اعدام نمی‌گردد. (ماده ۴۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصر)

د) جبران خسارت صاحب حق و جریمه رد درخواست اعاده دادرسی: مطابق ماده ۴۴۹ در چهار مورد اول از ماده ۴۴۱، چنانچه تقاضای اعاده دادرسی توسط دادستان کل تقدیم نشده باشد، در صورت رد تقاضای اعاده، تقاضاکننده محکوم به پرداخت جریمه‌ای به میزان حداکثر ۵ جزیه خواهد بود. همچنین برای اعاده حیثیت متقاضی اعاده دادرسی به موجب ماده ۴۵۰ کلیه احکام برائت که

در نتیجه اعاده دادرسی صادر می‌گردد به درخواست دادستانی کل، با هزینه دولت در روزنامه رسمی و دو روزنامه به تعیین صاحب دعوی منتشر می‌گردد و در صورت لغو حکم مورد اعاده، حکم به جبران خسارت نیز صادر می‌گردد. در این صورت باید مقداری از خسارت‌های جبران شده با رعایت قواعد سقوط حق به دلیل گذشت زمان به محکوم‌علیه مسترد گردد (ماده ۴۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصر).

هـ) قابل اعتراض بودن رأی دادگاه: بر اساس ماده ۴۵۳ کلیه احکام صادره از دادگاه‌ها در نتیجه اعاده دادرسی، به جز احکام صادره از دادگاه نقض از طریق کلیه طرق اعتراض مقرر در قانون قابل اعتراض می‌باشد. در هر صورت امکان تشدید مجازات متهم بیش از مجازات منصوص در حکم سابق ممکن نیست.

و) درخواست مجدد اعاده دادرسی در صورت رد درخواست: به موجب ماده ۴۵۲ در صورت رد تقاضای اعاده دادرسی، تقاضای مجدد با استناد به همان وقایع و استنادات ممکن نیست.

با این حال برخلاف قاعده و به‌عنوان استثناء، در مواردی عدول از رأی صادره از دادگاه نقض پذیرفته شده و آن در مواردی است که در حکم صادره اصول مسلم قانونی مانند «منع ضرر رساندن معترض به رأی در صورت اعتراض»^۱ رعایت نشده است. همان گونه که اشاره شد بر اساس ماده ۴۵۴ از «قانون الاجرائات الجنائیه» در چنین مواردی در صورت اعتراض مجدد، امکان رسیدگی مجدد و صدور حکم با رعایت اصول حقوقی امکان‌پذیر می‌باشد. لیکن مورد یاد شده باعث نمی‌شود که اعاده دادرسی بتواند موارد تخطی از قانون را جبران کند. هدف از پیش‌بینی چنین امکانی در صورت تخطی از اصول قانونی تحقق سیر عدالت است. چراکه عدالت هدف غائی از وضع کلیه قواعد دادرسی می‌باشد. به این صورت که دادگاه نقض، پایان روند رسیدگی است و احکام آن قطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشد.^۲

۲-۴. اعاده دادرسی در امور حقوقی مصر

الف) موضوع و شرایط قانونی درخواست: در قانون مصر اعاده دادرسی در امور حقوقی در مواد ۲۴۱ الی ۲۴۷ مورد شناسایی قرار گرفته است.^۳ وفق ماده ۲۴۱ طرفین دعوی می‌توانند در موارد ذیل

۱. منظور از این قاعده این است که در صورت اعتراض به رأی از سوی معترض، امکان ضرر رساندن به وی از قبیل تشدید مجازات و صدور رأی به ضرر وی وجود ندارد.

۲. الطعن رقم (۲۴۵۵۱) لسنه ۶۸ ق جلسه ۲۸/۳/۲۰۰۵

۳. قانون المرافعات المدینه و التجاریه رقم ۱۳ لسنه ۱۹۶۸ "الفصل الثالث التماس اعاده النضر".

نسبت به احکام قطعی تقاضای اعاده دادرسی نمایند؛

۱. اگر از سوی یکی از دو طرف فریبی واقع گردد که در حکم مؤثر باشد؛ ۲. اگر پس از صدور حکم اقراری نسبت به جعلی بودن اسناد واقع گردد یا حکم به جعلی بودن اسناد صادر شود؛ ۳. اگر حکم بر اساس شهادت صادر شده و سپس حکم به کذب بودن شهادت صادر گردد؛ ۴. اگر تقاضاکننده اعاده دادرسی پس از صدور حکم به اوراقی دست یابد که قاطع دعوی بوده لیکن آن اوراق نزد طرف مقابل بوده و از سوی طرف دیگر ارائه نشده باشد؛ ۵. اگر حکم نسبت به امری صادر گردد که مورد خواسته خواهان نبوده یا بیش از خواسته صادر شده باشد؛ ۶. اگر بخشی از منطوق حکم با بخش دیگری از آن تناقض داشته باشد؛ ۷. اگر حکم علیه شخص حقیقی یا حقوقی صادر گردد که از وی به طور قانونی اعلام نمایندگی نشده باشد جز در مورد وکالت اتفاقی؛ ۸. برای کسی که حکم صادر در دعوی دلیلی علیه وی باشد و در دادرسی حضور نداشته مشروط بر اینکه فریب یا توطئه یا اهمال گسترده نماینده خود را اثبات نماید.

ب) مهلت درخواست و شرایط دادخواست: برابر ماده ۲۴۱ مهلت اعاده دادرسی چهل روز می باشد. مهلت مذکور در چهار بند اول ماده فوق از تاریخ کشف فریب یا اقرار به مجعول بودن اسناد از سوی جاعل یا صدور حکم مبنی بر مجعول بودن اسناد یا حکم به شهادت کذب یا کشف سند ارائه نشده آغاز می گردد و به موجب همین ماده قانونی در مورد بند هفتم مهلت اعاده دادرسی از زمان ابلاغ حکم به شخصی که نمایندگی وی بر اساس قانون معتبر می باشد، آغاز می گردد. در مورد بند هشتم، مهلت مذکور از روز کشف فریب یا توطئه یا اهمال گسترده آغاز می گردد.

بر اساس ماده ۲۴۳ تقاضای اعاده دادرسی به موجب دادخواست و با رعایت شرایط تقدیم دادخواست به دفتر دادگاه صادرکننده حکم تقدیم می گردد. دادخواست باید مشتمل بر بیان حکم مورد اعاده و تاریخ آن و اسباب اعاده باشد، در غیر این صورت باطل می باشد.

تقاضاکننده اعاده دادرسی در موارد بندهای ۷ و ۸ ماده ۲۱۴ این قانون باید مبلغ یکصد جنیه به صندوق دادگاه به عنوان تضمین پرداخت نماید. دفتر دادگاه دادخواست اعاده دادرسی را بدون پیوست رسید پرداخت مبلغ مذکور ثبت نمی کند. معسر از هزینه دادرسی، از پرداخت مبلغ تضمین مذکور معاف می باشد.

ج) دادگاه ذی صلاح و نحوه رسیدگی: بنابر قانون آیین دادرسی مدنی مصر دادخواست اعاده دادرسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقدیم می شود. لذا ماده ۲۴۵ از قانون اعاده دادرسی مدنی مصر مقرر می دارد: دادگاه ابتدا در خصوص قبول اعاده دادرسی اتخاذ تصمیم می کند. سپس جلسه ای به منظور رسیدگی بدون نیاز به ابلاغ مجدد تعیین خواهد شد همچنین دادگاه می تواند در صورتی که

طرفین تقاضای خود را بیان نموده باشند نسبت به قبول اعاده دادرسی و رسیدگی به موضوع طی یک جلسه تصمیم‌گیری نماید. (دادگاه فقط نسبت به خواسته طرفین رسیدگی می‌نماید).

د) خسارت رد درخواست: بر اساس ماده ۲۴۶ در صورت رد تقاضای اعاده دادرسی در مورد شش بند اول ماده ۲۴۱، تقاضاکننده اعاده دادرسی محکوم به پرداخت حداقل مبلغ شصت جنیه و حداکثر دویست جنیه می‌گردد و در صورت رد تقاضای اعاده دادرسی در دو بند اخیر ماده ۲۴۱ دادگاه تمام یا بخشی از مبلغ ضمانت سپرده شده به حساب دادگاه را ضبط می‌نماید. در تمامی موارد مذکور، در صورت وجود سبب، دادگاه می‌تواند حکم به پرداخت خسارت نماید.

۵. مطالعه تطبیقی دو نظام حقوقی مصر و ایران (در اعاده دادرسی)

۵-۱. جهات مشترک در امور حقوقی

حیله و تقلب، کشف جعلی بودن سند مبنای حکم و کشف سند مکتوم، هم در حقوق ایران و هم در حقوق مصر از جهات اعاده دادرسی هستند.

الف) حیله و تقلب: به موجب بند ۵ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی، اولاً حیله و تقلب برای به دست آوردن حکم در فرایند رسیدگی، یعنی اقدامی فریبکارانه به قصد به اشتباه انداختن دادگاه انجام شده باشد و ثانیاً حیله و تقلب توسط کسی به کار رفته باشد که از اصحاب دعوا بوده و حکم به نفع او صادر شده است. از این رو اگر با وجود حیله و تقلب اصحاب دعوا، حکم دادگاه تحت تأثیر آن قرار نگیرد، چنین حیله و تقلبی سبب نقض حکم در اعاده دادرسی نمی‌شود و لازم است حیله و تقلب پس از صدور حکم قطعی آشکار شود؛ وانگهی به موجب ماده ۴۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی حیله و تقلب باید با حکم نهایی به اثبات رسیده باشد و مهلت اعاده دادرسی به این جهت، از تاریخ ابلاغ حکم نهایی اثبات حیله و تقلب است. جهت حیله و تقلب در بند ۱ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری مصر بیان شده است.^۱ به موجب این بند، یکی از جهات اعاده دادرسی این است که پس از صدور رأی معلوم شود که تصمیم دادگاه تحت تأثیر حیله و تقلب کسی بوده که رأی به نفع او صادر شده است. با مقایسه این بند و بند ۵ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مشخص می‌شود که شرایط این دو بند در خصوص حیله و تقلب، تقریباً مشابه است.

ب) اثبات جعلی بودن سند: در حقوق ایران اثبات جعلی بودن سندی که مستند حکم دادگاه بوده در بند ۶ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی از جهات اعاده دادرسی اعلام شده است. بر اساس

۱. ماده (۲۴۱): للخصوم أن یلتمسوا إعادة النظر فی الأحكام الصادرة بصفة انتهائية فی الأحوال الآتية: (۱) إذا وقع من الخصم غش كان من شأنه التأثير فی الحكم.

این بند و ماده ۴۲۹ ضروری است که جعلی بودن سند پس از صدور حکم نهایی دادگاه اثبات شود و از تاریخ ابلاغ حکم قطعی و نهایی ظرف مهلت مقرر، اعاده دادرسی قابل درخواست است. جهت جعلی شناخته شدن سند چند نکته حائز اهمیت است:

۱. سندی که جعلی شناخته شده، در حکم دادگاه مؤثر باشد، ۲. در صورتی که جعلی بودن سند پیش از صدور حکم مورد اعاده دادرسی ثابت شده ولی به متقاضی اعاده دادرسی ابلاغ نشده باشد پذیرفته می‌شود، همین مطلب سبب شده تا برخی از حقوق دانان حکم بند ۶ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی را در خصوص لزوم اثبات جعلی بودن سند پس از صدور حکم، ناظر به موارد غالب اعلام و اعاده دادرسی را در موارد اثبات جعلی بودن سند، پیش از صدور حکم مورد اعتراض جایز بدانند، مشروط به اینکه حکم جعلی بودن سند پیش از صدور حکم مورد اعتراض، ابلاغ نشده باشد (شمس، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

در حقوق مصر در بند ۲ ماده ۲۴۱ مبنی بودن رسیدگی دادگاه بر اسنادی که جعلی بودن آن‌ها پس از صدور رأی شناخته شده یا به طریق دیگری مثل اقرار به جعلی بودن آن شده، از جهات اعاده دادرسی محسوب شده است.^۱ شرایط این بند با بند ۶ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی کشور ما هم‌سو است؛ اگرچه اقرار جاعل در خارج از دادگاه هم از جهات اعاده دادرسی محسوب شده است. ج) دستیابی به اسناد مکتوم: بند ۷ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی دستیابی متقاضی پس از صدور حکم به اسنادی است که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی است و در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است می‌باشد. روشن و بدیهی است که نباید کتمان توسط خود متقاضی بوده باشد و به استناد اسنادی که خود متقاضی آن‌ها را در جریان دادرسی مکتوم و از ارائه و استناد به آن‌ها خودداری کرده، نمی‌توان درخواست اعاده دادرسی کرد. شاید با هدف تذکر و خارج کردن این حالت بوده که در بند ۷ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی به دنبال قید مکتوم بودن سند، قید در اختیار متقاضی نبودن اضافه شده است (قهرمانی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

در حقوق مصر، در بند ۴ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری دستیابی پس از صدور رأی به اسناد تعیین‌کننده مکتومی که توسط طرف مقابل کتمان شده از جهات اعاده دادرسی اعلام گردیده است. این بند از این جهت که کتمان را مقید به طرف مقابل کرده، با بند ۷ ماده ۵۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) ایران هماهنگ است. در نتیجه، دستیابی به سندی که در دادرسی مکتوم بوده، اما طرف مقابل عامل کتمان آن نبوده، سبب اعاده دادرسی نمی‌شود. در

۱. (۲) إذا حصل بعد الحكم إقرار بتزوير الأوراق ألتى بنى عليها أو قضى بتزويرها.

برخی از منابع آیین دادرسی مدنی مصر بر تعمدی بودن کتمان توسط طرف مقابل که حکم به نفع او صادر شده و عدم تقصیر متقاضی اعاده دادرسی تأکید شده است (علی برکات، ۲۰۱۶: ۴۳۳). اما آنچه مسلم است آن است که بی‌اعتباری سند نباید قبلاً ثابت و یا مورد تعرض طرف مقابل واقع شود. (د) صدور حکم به میزان بیشتر از خواسته و یا خارج از خواسته خواهان: حکم در خارج از خواسته مشمول بند ۱ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی و حکم بیش از خواسته تابع بند ۲ آن است. در بند اول محکوم به «خروج تخصصی و موضوعی» از عنوان خواسته دارد و از این جهت قابل اعاده دادرسی است. مانند آنکه در خواسته الزام به تنظیم سند رسمی است، به اشتباه تحویل مبیع هم در رأی آمده است. از آنجا که موضوع حکم متأثر از موضوع خواسته است، در بند ۱ ماده ۴۲۶ با صدور حکم در خارج خواسته موضوع حکم از موضوع دعوا یا خواسته متفاوت شده است (بهرامی، ۱۳۸۸: ۲۹۴). بند دوم در جایی است که رأی صادره در موضوع خواسته صادر شده، اما بیش از تقاضای خواهان است؛ زیرا چنین حکمی با قانون امری مندرج در ماده ۲ و بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مخالفت دارد و به این دلیل قابل اعاده دادرسی است. مشابه حقوق ایران در بند ۵ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری مصر چنین مقرر است وجود دارد. البته برخلاف قانون‌گذار ایران که در دو بند ماده ۴۲۶ این موارد را بیان کرده، ولی در حقوق مصر هر دو جهت در یک بند آمده است. قانون‌گذار مصر نیز در ماده ۶۳ آنجا که موارد لازم برای طرح دعوی را بیان کرده قیودی لازم دانسته که مطابق بند ۶ همین ماده مقرر داشته «(۶) وقائع الدعوی و طلبات المدعی وأسانیدها». یعنی خواهان باید وقایع، خواسته و مستندات خود را در دادخواست ذکر کند.^۲ (ه) تضاد و مغایرت در مفاد حکم: وجود تضاد در مفاد حکم که ناشی از استناد به اصول یا به

۱. (۵) إذا قضی الحکم بشیء لم یطلبه الخصوم أو بأكثر مما طلبوه.

۲. ماده (۶۳): ترفع الدعوی إلى المحكمة بناء على طلب المدعی بصحيفة تودع قلم کتاب المحكمة ما لم ينص القانون على غیر ذلك.

و یجب أن تشتمل صحيفة الدعوی على البيانات الآتية:

(۱) اسم المدعی ولقبه ومهنته أو وظيفته وموطنه واسم من یمثله ولقبه ومهنته أو وظيفته وصفته وموطنه.

(۲) اسم المدعی علیه ولقبه ومهنته أو وظيفته وموطنه فإن لم یکن موطنه معلوماً فأخر موطن کان له.

(۳) تاریخ تقديم الصحيفة.

(۴) المحكمة المرفوعة أمامها الدعوی.

(۵) بیان موطن مختار للمدعی فی البلدة آلتی بها مقر المحكمة إن لم یکن له موطن فیها.

(۶) وقائع الدعوی وطلبات المدعی وأسانیدها.

مواد متضاد باشد به‌عنوان یکی دیگر از جهات اعاده دادرسی در بند ۳ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران و بند ۶ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری مصر پیش‌بینی شده است.^۱ مهم‌ترین وجه مغایرت دو حکم تحقق شرط مندرج در ماده ۴۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی بوده و تأثیر احکام نسبت به هم و التزام دادگاه به تجویز اعاده دادرسی را نشان می‌دهد (عزیزیانی، ۱۴۰۱: ۱۶۳). اصطلاح مفاد مقرر در این نص را باید در مفهوم اعم و اخص آن تفسیر نمود که در پیش به آن پرداخته شد.

۲-۵. جهات اختصاصی

در مقابل جهاتی که پیش از این بحث شد و مشترک بین حقوق ایران و حقوق مصر بود، جهاتی وجود دارند که فقط در حقوق یکی از این دو کشور سبب اعاده دادرسی می‌شوند. در حقوق ایران مطابق بند ۴ ماده ۴۶۲ مغایرت بین دو حکم دادگاه از جهات اعاده دادرسی معرفی شده‌اند.^۲ در حالی که این مورد در حقوق مصر مورد توجه قرار نگرفته و از جهات اعاده دادرسی شناخته نشده است. در مقابل در بندهای ۳ و ۷ و ۸ ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری مصر^۳ که در صفحات پیشین بیان شد جهاتی بیان گردیده که در قانون آیین دادرسی مدنی ایران به‌عنوان جهات اعاده دادرسی بیان نشده و وضعیت آن در حقوق ایران محل بحث است. در ادامه هر کدام از جهات اختصاصی قوانین این دو کشور به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) اثبات غیر واقعی بودن شهادت: قانون‌گذار ایران در بند ۳ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهانی که شهادتشان مبنای صدور حکم بوده را از جهات اعاده دادرسی اعلام کرده است.

با وجود اینکه شهادت یا گواهی به‌عنوان یکی از ادله در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی ایران مطرح شده است، ولی اثبات شهادت خلاف واقع در حقوق کشور ما به‌عنوان یکی از جهات

۱. (۶) إذا كان منطوق الحكم مناقضاً بعضه لبعض.

۲. بند ۴ ماده ۴۶۲ که مقرر شده «حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن که قبلاً توسط همان دادگاه صادر شده است متضاد باشد بدون آن که سبب قانونی موجب این مغایرت باشد».

۳. (۳) إذا كان الحكم قد بنى على شهادة شاهد قضى بعد صدوره بأنها مزورة.

(۷) إذا صدر الحكم على شخص طبيعى أو اعتبارى لم يكن ممثلاً تمثيلاً صحيحاً فى الدعوى وذلك فيما عدا حالة النيابة الاتفاقية.

(۸) لمن يعتبر الحكم الصادر فى الدعوى حجة عليه ولم يكن قد أدخل أو تدخل فىها بشرط إثبات غش من كان يمثله أو توطئه أو إهماله الجسم.

اعاده دادرسی در ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی بیان نشده است. با وجود این، برخی از حقوق‌دانان (متین‌دفتری، ۱۳۷۸: ۱۱۶) شهادت خلاف واقع را در صورت تبانی با یکی از اصحاب دعوا و برخی آن را به‌طور مطلق از مصادیق حيله و تقلب دانسته‌اند (قهرمانی، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

در حقوق مصر با وجود اعلام حيله و تقلب به‌عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی در بند ۱ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری آن کشور، شهادت خلاف واقع نیز به‌طور مستقل در بند ۳ آن ماده به‌عنوان یکی دیگر از جهات اعاده دادرسی بیان شده است. به نظر می‌رسد تفکیک این دو جهت و اختصاص دو بند جداگانه برای سهولت در اثبات بوده و در حقوق ما آنجایی که یکی از اصحاب دعوا با تبانی با شاهد، به شهادت دروغ متوسل می‌شود، نیز می‌توان پذیرفت که شهادت غیرواقعی به‌عنوان مصداقی از حيله و تقلب مندرج در بند ۵ ماده ۴۲۶ می‌باشد.

ب) بی‌اعتباری حضور نماینده: حسب بند ۷ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری مصر چنانچه فردی بدون وکالت یا نمایندگی در دادگاه به هر جهت شرکت کند، پس از ثبوت بی‌اعتباری نمایندگی، ذی‌نفع می‌تواند در مهلت مقرر درخواست اعاده دادرسی کند و این امر در قانون ایران بالصراحه جزء موارد اعاده دادرسی پیش‌بینی نشده ولی شاید، این رفتار هم از جمله حيله و تقلب محسوب گردد.

ج) اهمال، فریب و توطئه نماینده: به‌موجب بند ۸ ماده ۲۴۱ قانون مصر چنانچه اصیل، توطئه، فریب و اهمال نماینده خود را ثابت کند و حکم صادره نیز بر علیه اصیل باشد؛ در آن صورت درخواست اعاده دادرسی اصیل قابل‌پذیرش است و این امر اختصاص به حقوق مصر می‌تواند داشته باشد. بند ۴ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران در مقایسه با قانون مصر منحصر به فرد است و مشابه آن در قانون مصر نیامده است.

۳-۵. تشابه در شرایط شکلی و دادگاه صالح

در هر دو نظام حقوقی مصر و ایران، دادخواست اعاده دادرسی حقوقی به دادگاه صادرکننده رأی قطعی تقدیم می‌شود و باید درخواست‌کننده هزینه دادرسی بپردازد، ولی تقاضای معافیت از پرداخت اعسار از پرداخت هزینه دادرسی قابل‌پذیرش بوده و ضمائم و پیوست‌های دادخواست مشابه می‌باشد و به‌علاوه اینکه در هر دو نظام حقوقی از جهتی که تقاضای رسیدگی اعاده شده، دیگر تکرار آن قابل‌قبول نیست.

۴-۵. تفاوت در شرایط شکلی

به‌موجب ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مواد در مقایسه با قانون مصر از جمله ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری مصر مهلت تقدیم دادخواست متفاوت است. در

ایران عموماً ۲۰ روز و در مصر مهلت تقدیم دادخواست ۴۰ روز می‌باشد. در حقوق مصر از جمله به موجب ماده ۲۴۳ قانون علاوه بر پرداخت هزینه دادرسی باید درخواست‌کننده اعاده دادرسی تضمین نیز بسپارد و به موجب ماده ۲۴۶، در صورتی که درخواست خواهان رد شود بخشی از ضمانت و سپرده به نفع صندوق دولت ضبط می‌گردد و این عمده تفاوت دو نظام حقوقی می‌باشد. عمده‌ترین تفاوت در نظام حقوقی دو کشور وجود ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران است که بر اساس آن رئیس قوه قضائیه حق دارد، آرای خلاف شرع بین را تجویز اعاده دادرسی کند و چنین تشخیصی و اختیاری، مستلزم نقض رأی مورد نظر توسط شعبه خاص دیوان عالی کشور می‌باشد و تجویز اعاده دادرسی در چنین شرایطی همواره می‌تواند قابل تکرار باشد (شاید بتوان گفت در حقوق مصر، دادگاه نقض که وصف آن گذشت و معادل شعبه دیوان عالی می‌باشد چنین اختیاری را دارا باشد).

۶. مقایسه اعاده دادرسی دو نظام حقوقی ایران و مصر در امور کیفری

در هر دو نظام حقوقی درخواست اعاده دادرسی تنها از آرای پذیرفته می‌شود که به هر جهت به قطعیت رسیده و امکان واخواهی، تجدیدنظرخواهی و یا فرجام‌خواهی وجود نداشته باشد. در هر دو نظام حقوقی، درخواست‌کننده شامل محکوم‌علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت و غیبت محکوم‌علیه، همسر و وراث قانونی و حتی ولی و قیم او و دادستان مجری حکم می‌تواند باشد (ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران و مواد ۴۴۲ و ۴۴۷ قانون آیین دادرسی دعاوی مدنی و تجاری مصر).

در حقوق ایران بندهای الف، پ، ث و ج از ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری به ترتیب با بندهای ۱، ۲، ۳ و ۵ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصر با کمی اغماض مشابه است. همچنین، در قانون ایران و مصر، درخواست اعاده دادرسی موجب تعویق اجرای حکم اعدام است. در اثر تجویز اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور ایران و یا در دادگاه نقض مصر، دادگاه مرجوع‌الیه در راستای امری که تجویز اعاده دادرسی شده، می‌تواند رأی سابق را اصلاح کند و یا کاملاً رأی جدید متناقض با رأی سابق و یا به براءت متهم رأی دهد ولی حق تشدید رأی سابق را ندارد. در هر دو نظام حقوقی، تجویز اعاده دادرسی اثر انتقالی دارد. یعنی دادگاه مرجوع‌الیه وظیفه دارد از نو به پرونده از هر حیث رسیدگی نماید.

در صورتی که درخواست اعاده دادرسی رد شود، دیگر درخواست به همان جهات سابق قابل پذیرش نیست.

۶-۱. جهات خاص

بند ۴ ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصر، مورد مشابه در قانون ایران بالصراحه ندارد ولی در ایران در این طور موارد به استناد بند ج ماده ۴۷۴، درخواست قابل پذیرش و رسیدگی است. زیرا لغو حکم دلیل جدید محسوب می‌گردد. به علاوه، بند پ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران فاقد مورد مشابه در قانون مصر است.

باید اشاره نمود که در حقوق ایران درخواست تجویز اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور و در حقوق مصر درخواست به دادستان محل صدور حکم تقدیم می‌شود و دادستان پس از بررسی و قبول آن، پرونده را برای اتخاذ تصمیم به دادگاه نقض ارسال می‌دارد. دادگاه نقض پس از بررسی و در صورت قبول درخواست یا خود رأی می‌دهد و یا پرونده را برای رسیدگی مجدد و با تعیین آنچه باید مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌دارد. به علاوه، در ایران، دادگاه هم‌عرض تنها در مورد یا موارد و مصادیقی که دیوان عالی کشور تجویز اعاده دادرسی کرده می‌تواند به پرونده رسیدگی کند لیکن در مصر اختیار دادگاه و نیز دادگاه نقض فراتر از مقررات اعاده دادرسی در ایران است. به همین جهت مدعی خصوصی نیز به دنبال تجویز اعاده دادرسی (در صورتی که درخواست حقوقی تقدیم دادگاه حقوقی نکرده باشد) می‌تواند درخواست خسارت کند.^۱

نتیجه

دادرسی عادلانه خاستگاه همیشگی جامعه بشری و حق بشری در تأمین دادرسی عادلانه بوده و هست و هدف از دادرسی حفظ عدالت و حفظ حق است و آحاد بشری و اشخاص جامعه انسانی هیچ‌گاه احکام ناعادلانه و تضییع‌کننده حقوق عمومی و خصوصی را تحمل نکرده و نمی‌کند. به همین جهت اغلب قانون‌گذاران کشورها با وضع مقررات اعاده دادرسی به اشخاص مجال دادند تا آن‌ها با مدارک تحصیل شده و مدلل بتوانند تقاضای رسیدگی مجدد را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم کنند. در حقوق ایران اصل بر اعتبار امر مختوم است و قانون‌گذار تمایل ندارد آرای قطعی شده متزلزل گردد و اجازه رسیدگی مجدد را تنها در جهات و موارد خاص تجویز کرده و در واقع اعاده دادرسی مجدد فرصتی است که قانون‌گذار به طرفین دعوا داده تا چنانچه در حین رسیدگی نتواند از خود دفاع کند و یا نتواند حقوق حقه خود را به اثبات برساند، پس از دستیابی به آن تحت شرایطی خاص بتواند رسیدگی مجدد را تقاضا کند. درخواست اعاده دادرسی در امور کیفری با آنچه در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مذکور است فرق دارد. زیرا در امور کیفری با توجه به مواد ۴۷۴ الی ۴۷۸ تنها محکوم‌علیه یا دادستان

۱. الطعن رقم (۲۳۱۷) لسنة ق جلسه ۲۰۱۱/۵/۷ غیر منشور

مجری حکم و یا دادستان کل کشور حق تقاضای تجویز اعاده دادرسی، آن هم از دیوان عالی کشور را دارد و این درخواست محدود به زمان نیست و برای شاکی پرونده حتی در صورت به دست آوردن مدارک جدید، فرصت درخواست رسیدگی مجدد در موارد عادی را ندارد ولی درخواست محکوم علیه یا دادستان کل کشور و دادستان مجری حکم محدود به زمان نیست و به طور کلی دادستان می تواند از ناحیه محکوم علیه درخواست تجویز اعاده دادرسی به عمل آورد و پس از تجویز اعاده دادرسی از ناحیه دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد به عهده دادگاه هم عرض صادرکننده رأی قطعی است. به علاوه در مرحله دادرسی، تجویز اعاده دادرسی در مواردی که شکایت منتهی به صدور قرار منع تعقیب شده حسب مورد با تقاضای شاکی، موافقت دادستان و تجویز رسیدگی مجدد از ناحیه دادگاه است. اما در امور حقوقی برابر مواد ۴۲۶ الی ۴۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛ اولاً جهات تقاضای رسیدگی مجدد به جهات مندرج در ماده ۴۲۶ است. ثانیاً حسب ماده ۴۴۱ در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوی و قائم مقام آن ها، شخص دیگر نمی تواند تقاضا کرده و داخل دعوا شود. ثالثاً تقاضا محدود به مهلت است و در صورت منقضی شدن مهلت، درخواست رد می شود ولو اینکه مدارک مثبت حق و مؤثر در تحقق عدالت باشد. رابعاً درخواست اعاده دادرسی به جای اینکه به دیوان تقدیم و از ناحیه دیوان تجویز گردد، دادخواست به دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقدیم می شود و این دادگاه است که یا قرار قبولی صادر و وارد رسیدگی مجدد می شود و یا درخواست را رد می کند.

در حقوق مصر در امور کیفری موضوع و شرایط اعاده دادرسی به شرح ماده ۴۴۱ (قانون الاجرایات الاجنایه) می باشد. درخواست کننده مشابه اشخاصی هست که در ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران قید شده و متقاضی باید در مهلت مقرر درخواست خود را به دادستان محل صدور حکم با ضمائم و پیوست های مقرر در قانون تقدیم کند و در صورتی که دادستان درخواست را واجد شرایط تشخیص دهد پرونده را برای اتخاذ تصمیم به دادگاه نقض ارسال می دارد. دادگاه نقض در صورت پذیرش تقاضا اجازه رسیدگی را به دادگاه تجدیدنظر می دهد و یا خود با اختیار کامل به پرونده رسیدگی کرده و حکم مقتضی می دهد. دادگاه حسب مورد یا رأی را اصلاح یا حکمی متناقض با حکم سابق صادر و یا متهم را تبرئه می کند و در هر حال مجازات نباید از مجازات سابق اشد باشد. مدعی خصوصی پس از اطلاع از تجویز اعاده دادرسی در صورتی که برای وصول خسارت ناشی از جرم دادخواست حقوقی به دادگاه حقوقی نداده باشد می تواند وارد دعوا شود. چنانچه دادگاه درخواست را رد کند با حکم دادگاه درخواست کننده به پرداخت جریمه محکوم می شود. تجویز اعاده دادرسی به مثل حقوق ایران اثر تعلیقی در مجازات اعدام دارد و دادگاه برای رسیدگی مجدد دارای اختیار کامل است.

شرایط و موضوعات مشمول اعاده دادرسی در امور حقوقی به شرح ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصر می‌باشد و دادخواست به دادگاه صادرکننده رأی قطعی با پرداخت هزینه دادرسی در مهلت مقرر تقدیم می‌گردد و دادگاه اختیار دارد در صورت لزوم توقف اجرای حکم را صادر کند. خواهان علاوه بر پرداخت هزینه دادرسی، مبلغی هم به‌عنوان تضمین به صندوق دادگستری می‌پردازد تا در صورت رد دادخواست جریمه مقرر با حکم دادگاه از آن برداشته شود. درخواست مجدد با جهات سابق قابل پذیرش نیست ولی دادگاه نقض بنا به قاعده «منع ضرر رساندن معترض به رأی در صورت اعتراض» هم در امور کیفری و هم در امور حقوقی حق تجویز اعاده دادرسی را دارد و این اختیار مشابه اختیار رئیس قوه قضائیه در ایران است.

با توجه به پژوهش انجام‌گرفته، به نظر می‌رسد که: ۱. تجویز اعاده دادرسی توسط دیوان عالی کشور و مردود دانستن تصمیم دیوان مبنی بر تجویز اعاده دادرسی توسط محاکم تالی بر هیچ اصولی سازگار نیست و تغییر این سازوکار و نگرش جایگاه دیوان را ارتقا می‌دهد. ۲. تجویز اعاده دادرسی در امور کیفری با پرداخت هزینه دادرسی و مقید شدن تقاضای اعاده دادرسی به زمان، نظم قضایی را افزایش می‌دهد.

منابع

فارسی

- السان، مصطفی و گودرز افتخار جهرمی (۱۳۹۹)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: میزان.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۸)، آیین دادرسی مدنی، جلد ۳ و ۴، تهران: نگاه بینه.
- جمالی، مرتضی و قاسم محمدی (۱۴۰۱)، «دیالکتیک پایایی و پویایی حقوق در رهیافت نظریه اصول حقوقی با نگاهی به رویه قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۹.
- حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۲)، «مقایسه جهات تجدیدنظر، فرجام و اعاده دادرسی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره سوم.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۹)، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد ۲، چاپ ۸، تهران: انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات شابک.
- عزیززانی، مجید (۱۴۰۱)، «تأثیرات متقابل آرای حقوقی و کیفری در تئوری تا رویه قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۷.
- قهرمانی، نصراله (۱۳۸۶)، مباحث دشوار آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- هاشمی باجکانی، سیدجعفر و محمدرضا بوربور (۱۴۰۰)، «آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه»، تمدن حقوقی، دوره ۴، شماره ۹.
- متین‌دفتری، احمد (۱۳۷۸)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد ۲، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

عربی

- عبدالناصر، ابوالفضل (۱۹۹۹)، شرح قانون اصول المحاکمات الشرعية، عمان.
- قانون المرافعات المدنية و التجارية المصرية، رقم ۱۳ لسنة ۱۹۴۸، الفصل الثالث التماس اعاده النظر.
- ریاض، سیدکرار و میثم غانم الجبوری (۲۰۱۵)، الاتجاهات التشريعية الحديثة في الاعادة المحاکمه، دراسة مقارنة اهل البيت العدد ۳۰.
- لدركذلى (۱۹۸۰)، طرق الطعن في الاحكام في قانون اصول المحاکمات الجزائية السورية.
- لعشماوى (۲۰۱۷)، قواعد المرافعات في التشريع المصرى و المقارن، جلد ۲.
- نجيب حسنى، محمود (۲۰۰۵)، الوجيز في شرح قانون الاجراءات الجنائية، مكتبة الجلاء، المنصورة.
- خليل البحر، ممدوح، مبادئ قانون اصول المحاکمات الجزائية الاردني.
- نبيل اسماعيل، عمر (۱۹۸۳)، الطعن بالتماس اعاده النظر في المواد المدنية و التجارية، منشأة المعارف.

انگلیسی

- Second Chances: What Appellate Courts Can (And Cannot) Do For You. (<https://ccbjournal.com/articles/second-chances-what-appellate-courts-can-and-cannot-do-you>)
- CCBJ "Second Chances: What Appellate Courts Can (And Cannot) Do For You" (<https://ccbjournal.com/articles/second-chances-what-appellate-courts-can-and-cannot-do-you>)
- See, R.B. Lettow, New trial for verdict against law: judge-jury relations in early nineteenth-century America, 71 Notre Dame L.Rev. 505, 510 (1996).